

یادداشت

خوب شد که سال تمام شد!

سیدنظام‌الدین نعمت‌الهازه صاحب امتیاز و مدیرمسئول استقامت



نزدیک شدن به پایان سال بهانه‌ای به دست داد تا دل‌نوشته‌های را به عرض برسانم. هر چه فکر کردم در سال ۹۹ اتفاق خوشایندی را نیافتیم که مطرح کنیم، بحران کرونا بسیاری از هموطنان را از ما گرفت، تحريم‌های ناعادله به کمک سیاست‌گذاری‌های گام‌اشتباه و غیرمديبرانه بعضی از مسئولين كمر عامه مردم را زیر بار مخارج زندگی خم کرد، سيل و زلزله مزيد بر علت شد تا بگويم خوب شد که این سال تمام شد و اميدواريم سال آینده سال نویدبخشی باشد.

بخش مطبوعات نیز از گزند گرانی‌های لجام گسیخته و پاندمی کرونا نه تنها مصون نبود بلکه با توجه به مشکلات قبلی ناشی از کم‌توجهی به صنعت طبع و نشر صدمات بیشتری را تحمل نمود. اما نکته مثبت اینکه استقامت توانست با وجود مشکلات عدیده به کار خود ادامه داده و برجا بماند. این البته ممکن نمی‌شد مگر با همت والای کادر استقامت که به خصوص سردبیرمحترم جناب آقای لطیف‌کار و حامی همیشگی جناب آقای محبی که مرحوم پدرم، پیر استقامت، جملگی ایشان را فرزندان خود می‌دانست و خدا را شاکرم که این پیوند مانند یک خانواده‌ی مستحکم با بچاست.

در پایان آرزو دارم سال جدید سالی باشد سرشار از نیکو و نعمت، پاکي و صداقت و توجه بیشتر به محیط زیست و معیشت مردم بزرگوار و قابل احترام ایران عزیز، امیدوارم شاهد شرمساری هیچ سرپرست خانواری در برابر خانواده‌اش نشانم و ایرانی آباد و سراسر امید و عزت را شاهد باشیم.

از طرف خودم و به نمایندگی خانواده‌ام سال نو را به تمامی هموطنان عزیز خصوصا ساکنین دیار کرمان و همکاران محترمم در نشریه استقامت تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

برقرار باشید و سرفراز

زندگی در لحظه اکنون

پروین میرزا حسینی

خبرنگار و دبیر بخش اقتصادی



این بهار که باید وارد قرن جدیدی می‌شود، از راه رسیدن فصل جدید و سال نو، اتفاقی مبارک و خوشایند است و بی‌شک از راه رسیدن قرن نو بسیار هیجان‌انگیزتر. هر چند این روزها شیوع بیماری کرونا و جان باختن تعداد زیادی از هموطنان در کنار فشارهای اقتصادی، دل و دماغ چندانی برای کسی باقی نگذاشته؛ اما از قدیم گفته‌اند آدمی به امید زندگی است.

چهارم در ۱۰۰ سال گذشته بزرگ‌ترین جنگ‌ها، بهاری‌ها و حوادث و پشت سر گذاشته و میلیون‌ها نفر در اثر هر یک از این بلاها جان خود را از دست داده‌اند و سرزمین‌های زیادی ویران شده است، اما آن‌چه ادامه‌ی زندگی روی این کره‌ی خاکی را میسر کرده، طلوع هر روز خورشید و لیلند زیبای آن بر پهنه‌ی آسمان آبی است.

در حالی که سال‌ها از اپیدمی شدن بیماری‌های واگیردار در دنیا می‌گذشت و انسان مغرور از دستپایه به تکنولوژی‌های نوین در اندیشه‌ی فتح قضا و دیگر سیاره‌های کهکشان پهنابور بود، کمتر کسی گمان می‌کرد ویروس ناشناخته از سرزمین چین، شرایط و روال عادی زندگی بشر آن هم در سراسر جهان را تغییر دهد.

در آخرین سال قرن ۱۴ خورشیدی، زندگی روی دیگری به ما نشان داد. سال پیش درست در استثنای نوروز و زمانی که همه در تکاپوی استقبال از سال جدید بودیم، شیوع کرونا سبب شد تا نگاه بسیاری از ما به دنیا و گذران عمر تغییر کند. بیماری ناشناخته و جان‌هایی که هر روز قربانی می‌شدند، ترس را به جان‌مان ریخته بود. روزهای نخست را به امید این‌که با شروع گرما از شش بیماری خلاص خواهیم شد سپری کردیم و هر روز آمار مرگ‌ومیر را به این امید که به زودی شرایط تغییر خواهد کرد، دنبال می‌کردیم اما وقتی در تابستان بر خلاف تصورمان، ویروس با قدرت بیشتری عرض اندام کرد، عده‌ای بی‌خیالی طی کردند و بعضی به نامیدت‌تر از قبل روزمرگی را سرلوحه قرار دادند که همچنان ادامه دارد.

اما مهم‌ترین درسی که کرونا به من داد، زندگی کردن در لحظه و نگرانی برای آینده نیست. ما ندانیم در خانه و دوری از عزیزانی که بودن در کنارشان از قدر نمی‌دانستیم، سبب شد نگاهی به پشت سر و مآملات خوب و بدی داشته باشیم که از کنارشان ساده عبور کرده بودیم. برای هر خاطره‌ی تلخ و شیرین غیبطه نخوریم، برای عجله کردن‌هایی که فقط شادی لحظه‌ها را کوتاه کرده بود. آینده‌نگری‌هایی که فرصت زندگی در لحظه را از ما می‌گرفته بود.

کرونا «زندگی آب‌تنی در لحظه اکنون» و قدر دانستن شادی‌های کوچک و امید به بودن و ماندن را به من یادآوری کرد.

بهار که بیاید وارد قرن جدیدی می‌شود، آینده‌ای مثل همیشه میهم که نمی‌دانیم چه در انتظارمان خواهد بود، هیچ‌یک از ما آغاز قرن بعد را نخواهیم دید، مهم نیست الان چند سال داریم و شرایط زندگی چقدر سخت است، مهم این است که قدر لحظه‌ها و داشته‌هایمان را بدانیم. قدر عزیزانی که دنیا دیگر نگرانش نخواهد کرد و روزی در قاب خاطرات، نم اشک را به چشممان خواهند نشانید.

ایمان باشد «هیچ برگ از درخت نمی‌افتد مگر این‌که خوندان از آن آگاه است»، پس ما توکل به خدا، به امید روزهای بهتر، با لذت برهن از داشته‌هایمان و شکرگزار نعمت‌های بی‌منتش، به استقبال سال نو و قرن جدید برویم، به قول سهراب سپهری: «زندگی درک همین اکنون است / زندگی شوق رسیدن به همان / فردایی است، که نخواهد آمد / تو نه در دیووزی، و نه در فردایی / طرف امروز، بر از بودن توست / شاید این خنده که امروز، در برفش کردی / آخرین فرصت همراهی باد امید است».

استاندار کرمان اعتراض کرد

بی‌برنامه‌گی شرکت‌ها در اجرای مسؤلیت اجتماعی



مختلف دارد که با برنامه‌ریزی می‌توانند به وضعیت مطلوب درآیند. زین‌بوند افزود: «اسناد نوشته شده را با جدید باید دنبال کرد و بر تبعیض مثبت و توسعه‌ی متوازن باید اصرار کنیم. ما اول باید نیازهای ابتدایی را برای مناطق با تبعیض مثبت فراهم کنیم که عین عدالت و مردانگی و توازن است.» وی گفت: «استان کرمان در صنعت منگی بر دانش‌بنیان‌ها عقب است، پارک علم و فناوری باید قلب توسعه‌ی استان شود و شرکت‌های دانش‌بنیان در کارخانه‌ها فعالیت کرده و به عنوان شتاب‌دهنده از ثروت مفید تولیدی آن‌ها استفاده کنند.»

وی با بیان این‌که در حوزه‌ی مسؤلیت‌های اجتماعی نابسامانی در استان وجود دارد، خاطرنشان کرد: «ما وجود این‌که شرکت‌ها و صنایع بزرگ معدنی و صنعتی هزینه می‌کنند اما این هزینه‌ها بی‌برنامه است در حالی که باید مثبت فراهم کنیم که عین عدالت و مردانگی و توازن است.» وی گفت: «استان کرمان در صنعت منگی بر دانش‌بنیان‌ها عقب است، پارک علم و فناوری باید قلب توسعه‌ی استان شود و شرکت‌های دانش‌بنیان در کارخانه‌ها فعالیت کرده و به عنوان شتاب‌دهنده از ثروت مفید تولیدی آن‌ها استفاده کنند.»

مردم نیست، مسئله‌ی مردم شغل و معیشت و عدالت و توازن است و باید به آن توجه کنیم.» استاندار کرمان با بیان این‌که مردم نا شغل نداشته باشند، عزتی هم نخواهند داشت، گفت: «تا زن سرپرست خانواده بیمه نباشد، عزت ندارد و کرمان ظرفیت تبدیل شدن به استان متوازن و پردرآمد را دارد، اما باید تولید ثروت را در سطح استان پخش کرد. وقتی ثروت در یک نقطه تولید شود منعمت آن فقط به همان نقطه می‌رسد، اما اگر کارخانه را در دل منطقه‌ی محروم تولید کنیم، به واسطه‌ی آن اشتغال‌های زیادی به وجود می‌آید.»

اندر حکایت بهاریه‌نویسی این روزها!



مهدی محبی کرمانی

جانشین مدیرمسئول استقامت

۱ - آخرین سال قرن چهاردهم، سال خوبی نشد، نمی‌دانم چرا دهای سال تحویل نوروز نودونهمان نرفته‌ها حال هیچ‌کس را به بهترین حال متحول نکرد، بلکه تقریباً تمام سال حال و روز ما تعریفی نداشت، چیزی به پایان این سال سراسر تکیت نمانده است و هنوز سایه‌ی سیاه کووید ۱۹ همچنان بر زندگی خلائق حکم‌فرماست، روزی نیست که در همین وطن خودمان، عزادار ده‌ها و بعضاً صد‌ها نفر باشیم. هر روز رنگ شهرهایمان عوض می‌شود. هراس‌مان قرمز بود که حال سیاه هم مزید بر آن شده است و هر فرقی نمی‌کند که خوزستان سیاه باشد یا گلستان، همین که عزیزی با درد و زنجی جانگاه جان بسیاری در تو حتی نتوانی مجلسی به یادش برگزاک کنی که تسلی‌دلت باشد کم مصیبتی نیست. همه‌ها خزان‌زده است. آدم‌ها عین برگ‌های زرد پاییزی فرو می‌ریزند، تیغ مرگ هر روز بر گردن صد‌ها نفر چوبد می‌آید و تو نمی‌دانی که «زندگی در قرن بیستم از یادش رفتی» نیست. ایستادن در صف مردگان است! این هم نشد زندگی!

۲ - گیم که اقباله به زندگی باشد، یا خانه‌نشینی و بیگاری‌ات چه می‌کنی؟ یا شرمساری مدام در مقابل خانواده‌ات چه می‌کنی؟ یا سرمایه‌ی تباه شده‌ات در بازار بورس چه می‌کنی؟ همان سرمایه‌ی که از فروش فرش خانه و گران‌بند همسر و طلاهای دخترت جمع کرده بودی، همان سرمایه‌ی که دلت خوش بود دو سه ماهه دو برابر می‌شود! یادت می‌آید که نوروز پیرا چقدر دل به فکر فقرا بودی؟ چقدر با آن‌ها احساس همدردی می‌کردی؟ آدم همین طور فقیر می‌شود!

۳ - گیم تر هست! بط را ز طوفان چه پاک! کم پیدا می‌شوند آدم‌هایی که این روزها در دستشان به دانشان می‌رسد و از حال همسایه می‌خبرند، اصلاً مگر می‌شود تو بتوانی فقر دردناک همسایه‌ی ابرومندی را سلامت رها کنی بود، در برابر این ویروس مگر می‌شود که کودکان کار را نبینی؟ مگر می‌شود سقوط سرمایه‌های اجتماعی را نبینی، سقوط ارزش‌های اخلاقی چیزی نیست که از چشم کسی دور بماند. همین ناسازگاری خانواده‌ها، همین نرخ بالای طلاق، همین تن‌فروشی‌های زیرپوست شهر، همین اعتیاد گسترده همین قبیله‌سالاری، همین اختلاس‌ها، همین بی‌تقوایی‌های وسیعی که چهل سال هر روز جمعه، لقمه جمعه مومنین را به داشتن آن توصیه می‌کردند و کسی نشنید، همین قبیله‌سالاری، همین فرار مغزها... همین افسردگی‌های عمومی، همین اقتصاد فرو پاشیده، همین تورم افسار گسیخته... مگر می‌شود این همه فاجعه را ندیده؟ راستش این هم نشد زندگی!

۴ - می‌گفت، رفته بودیم شکار شیر، غفلت کردیم زیادی به شیر نزدیک شدیم، چشم واگردیم دیدیم شیر در فاصله‌ی ده متری ما است، بی‌بسیاری‌اش از نشانه گرفت، نمی‌دانم چه شد که تیر درست از بالای سرش رد شد! حالا شیر رسیده بوده دو متری ما، صدای نفسش را می‌شنیدم، حاضران میجان‌زده پرسیدند: بعد چه شد؟ گفت: چه می‌خواستید بشود، شیر غرضی کرد و ما را خورد! گفتند: «شما که زنده‌اید؟ حسرت‌زده گفت: این هم شد زندگی!

۵ - نوروز نزدیک است و قرار بود که من به همین مناسبت بهاریه‌نویسی بنویسم، راستش خیلی سعی کردم که از امید بگویم، از فردای بهتر و همه‌ی روزهای روشنی که در پیش

نگاهی به حضور خونبار کرونا!

چشم انداز خاکستری سال پیش رو!

به سلامت رها کنی بود، در برابر این ویروس ناچار زانو زود و به فکر فرو رفت. کنجکاو اما برقرار بود دارد چه رخ می‌دهد؟ به مرور تصاویری از بیمارستان‌ها بیرون آمد. پزشکان با پرستاران با لباس‌های عجیب و غریب شبیه آدم فضایی‌ها ظاهر شدند. برو با در راهروهای بیمارستان‌ها زیاد و حتی در برخی انداختن بیماران روی تخت‌ها در راهرو بستری شده بودند. بازار شایعات در شبکه‌های اجتماعی نیز روز به روز گرم‌تر می‌شد. ویدئوهایی منتشر شد که در چین، افرادی در بیدار خواب در خیابان، ناگهان غش می‌کنند و در پیاده‌رو جان می‌دهند. می‌گفتند کربوای جدید با جان‌ها این چنین می‌کند. برخی می‌گفتند چینی‌ها از این ویروس را ساخته و به جان دنیا انداخته‌اند عده‌ای دیگر اما می‌گفتند ویروس از بازار حیوانات پوهان و فحش‌ها به زندگی بشر راه یافته است. می‌گفتند هوا گرم که گرم شود، تمام می‌شود. می‌گفتند الکل بنوشند مبتلا نمی‌شوند، می‌گفتند معاندان کربوای نمی‌گیرند، بازار شایعات داغ و نخت‌های بیمارستان‌ها یکی پس از دیگری پر از قبرستان‌ها سلوغ می‌شد.

به‌طور دقیق مشخص نبود که چه باید کرد ولی با گستره شدن هوا و تمام نشدن ایپدمی، این مسئله بر همگان روشن شد که حیات در کره‌ی زمین با تهدیدی جدی مواجه شده است تا که تجربه این‌بار به کمک آمد.

دروس از طریق ترنشات ریز تنفسی از راه وپهان و بینی میزان بعدی را می‌یابند و وارد دستگاه تنفسی می‌شود و خراب‌کاران را از ریه‌ها شروع می‌کند؛ پس باید مثل آنفلوآنزاهای کشنده‌ی پیشین، راه ورودش به دستگاه تنفسی را گرفت، چگونه؟ ماسک بزنند و به یک‌دیگر نزدیک نشود. اندکی بعد، سازمان جهانی بهداشت رسماً از پاندمی کرونا خبر داد به این معنا که جهانگیر شده است و حالا، «قرنطینه» واره‌ای بود که مدام به گوش می‌رسید. آدم‌ها قرنطینه شدند، شهرها قرنطینه شدند و کشورها قرنطینه شدند.

مدرسه‌ها تعطیل شد، دانشگاه‌ها بسته شد و بازارها هم کارمندان دورکار شدند و مردم در خانه نشستند و چنان به دوری‌گزینی‌های

شدند که بعضی‌ها حتی نان را در خانه‌ها می‌بختند دید و بازدیدها واتس‌پی شد، احوال‌پرسی‌ها فیس‌بوکی و روزهای پرباهام ادامه داشت. سرافصل همی خبرها مرگ و بیماری زیاد بود. بهار سومی که در حالی که همه انگار در حباب زندگی می‌کردند. زندگی روزمره‌ی پیشاکرونا به خاطره‌ها می‌پیوست، درها، دستگیره‌ها، کفش‌ها، لباس‌ها، گوشه‌های موبایل، خیرهدا و همی وسایلی که از بیرون به خانه می‌آمد، ضدعفونی و گندزایی می‌شد، دانش‌آموزانی که پیش از آن از داشتن گوشی موبایل منع می‌فرمانده بود، حالا چاره‌ای جز در دست گرفتن موبایل و نستستن در کلاس‌های درس مجازی نداشتند. معلمان هم یکی یکی از دیگری و هر یک به شیوه‌ای به دانش‌آموزان وصل شدند؛ اولین با واتس‌آپ و بعد هم با ایل‌کیکن شاد. کرونا را ویروس ارتباط نامیدند که فرمانی جز این نداشت: از هم دور شوید. و مجازات سرپیچی از این فرمان این بود: دو هفته سرفه و تب و خستگی و بدن‌درد و تنگی‌نفس و در ناستان هم اسهال و استفراغ و بعد اگر بدن در این تیرد طالت نمی‌آورد، واکسیناسیون را شروع کردند.

مرگ‌ها هم رنگ دیگری گرفت؛ سیادت از قبل قربانان کرونا در سکوت دهشتناک و می‌شوند متفاوت از دیگر جان‌باختگان دفن می‌شدند، قبریها عمیق‌تر و روی آن با آهک پوشانده می‌شد تا ویروس به بیرون سربایت نکند. مراسمات که پیش‌ترها برای همدردی دلجوویی از بازماندگان بود برچیده شد و زندگی با همه‌ی دشواری‌هایش، ادامه داشت. آمار تلفات نگران‌کننده‌تر می‌شد که ماسک پوشیدن در اماکن عمومی اجباری شد. آمار مبتلایان اما در نوسان بود و گاهی بالا می‌رفت، اوج می‌گرفت، دو هفته بعد، مرگ‌ومیرها شدت می‌گرفت؛ می‌گفتند یک بیماری رخ داده است، مغازها و تالارها تعطیل و راه‌ها بسته می‌شد، آمارها پایین می‌آمد و بیماری فروکش می‌کرد و محدودیت‌ها کم می‌شد و باز گمی بعد، همان اتفاقات قبلی تکرار می‌شد.

در هراب اوج‌گیری بیماری هم عده‌ای صحبت از ممنوعیت جمعی یا گلهای می‌کردند؛ شوهایی که برخی برای مهار بیماری طرفدار می‌گرفتند که با گستره شدن ابتلا، برای

خبر

وزیر بهداشت:

التماس می‌کنم مردم سفر نروند!



گروه جامعه - وزیر بهداشت از مردم خواست حتی اگر در نوروز راه‌ها باز باشد هم به سفر نروند تا از افزایش چرخه‌ی انتقال جلوگیری شود. تمکی با اشاره به شیوع شدید ویروس کرونا انگلیسی در خوزستان از ابتدای ۸۷ نفر از کادر درمان به کرونای جهش‌یافته خبر داد و گفت که اگر خوزستان جدیدی شکل بگیرد، نمی‌توانم تاب‌آوری نظام سلامت را تضمین کنم. به گزارش ایرنا سراسری، سعید نمکی ۱۹ اسفندماه در مراسم آغاز گام چهارم طرح بسیج ملی شهید سلیمانی در وزارت بهداشت، بیان کرد: «بهبود شیوعه موافق سفر در تعطیلات نوروز نیستیم، التماس می‌کنیم مردم حتی اگر راه‌ها باز باشد هم به مسافرت نروند، اگر خوزستان جدیدی شکل بگیرد، نمی‌توانم تاب‌آوری نظام سلامت را تضمین کنم.»

وی افزود: «هر آمد و شدی باعث بیماری کووید ۱۹ و مرگ می‌شود، مردم حتماً رعایت می‌کنند، ویروس را اگر گوشه‌ای از کشور به گوشه‌ی دیگر نبرند باید جایگزینی ویروس جهش‌یافته را با ویروس قبلی طوالتی‌تر کنیم.» وی گفت: «هر کسی که در خوزستان انجام شد، ۵۷ درصد بیماران جدید به ویروس جهش‌یافته‌ی انگلیسی مبتلا بودند، این خطر بزرگی برای نظام سلامت است زیرا با ویروسی با قدرت سربایت بالاتر و مرگ‌آفرینی بسیار خطرناک‌تر مواجه هستیم.»

وزیر بهداشت افزود: «هر چه چرخه‌ی انتقال را به نفع کاهش سرعت انتقال این ویروس انجام دهیم بازی را برداریم نباید فردی این ویروس را به شهر

گروه جامعه - رئیس کل دادگستری استان کرمان از تعیین شعب ویژه رسیدگی به تخلفات انتخابی در سطح استان خبر داد و گفت: «تدابیر و اجرای برنامه‌ی جامع پیشگیری از تخلفات انتخابی استان کرمان با استفاده از تجربیات گذشته باید دنبال شود.»

وی با اشاره به در پیش بودن سیزدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری و شورش‌های اسلامی شهر و روستا، ادامه داد: «ملت ایران خود را برای حضور در دو انتخابات مهم در بهار ۱۴۰۰ آماده می‌کند و این در حالی است که در شرایط کونی به دلیل شرایط موجود کشور، منطقه‌ای و بین‌المللی انتخابات حساس‌تر است.» رئیس کل دادگستری استان کرمان با اشاره به حساسیت‌های فوق‌العاده‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری، گفت: «در این دوره از انتخابات نیز مردم باید دیگر سرنوشت خود را رقم بزنند و با حضور در انتخابات تلاش می‌کنند سرنوشت امور اجرایی کشور را به فردی لایق بسپارند تا در جهت حل مشکلات کشور گام‌های بلندی بردارد و وظیفه‌ی

داستان کرمان تشریح کرد

ابعاد جدید از پرونده فساد در اداره کل اقتصاد و دارایی استان

گروه عمومی - دادستان عمومی و انقلاب کرمان با اشاره به ابعاد جدیدی از پرونده‌ی فساد اداری اداره کل اقتصاد و دارایی استان، گفت که در رابطه با این پرونده، ضمن احضار و بازداشت مدیرکل اقتصاد و دارایی استان، ۵۰ نفر به دستگاه قضایی احضار شدند و مجموع بازداشت‌شدگان این پرونده تاکنون دو نفر است. به گفته‌ی وی، تاکنون ۱۲ نفر در رباط ریال اختلاس و ارتشا مطرح شده و ۲۲ نفر به کادر درمان آغوش روند واکنش‌نویسان و کندی در حال انجام است و زندگی زیر سایه‌ی بیمه‌ها و امید‌ها ادامه دارد. به تقویم جهانی، آذرماه و به تقویم ایرانی، اسفندماه سالگرد پیدایش کروناست. تجربه‌ای که بشر در این یک سال پیش سر گذاشته در صد سال اخیر، مانند نداشته است. چندین‌بار از این پرونده نیز همچنان خاکستری است.

روستای دیگری برد. این ویروس سوغات مرگ‌آوری است. تمکی ادامه داد: «التماس می‌کنیم مردم سفر نروند! تمکی با اشاره به شیوع شدید ویروس کرونا انگلیسی در خوزستان از ابتدای ۸۷ نفر از کادر درمان به کرونای جهش‌یافته خبر داد و گفت که اگر خوزستان جدیدی شکل بگیرد، نمی‌توانم تاب‌آوری نظام سلامت را تضمین کنم.»

وی گفت: «هر جمعیت ساکن غیر شناور مدیریت ساده‌تر می‌شود وقتی جمعیت موج باشد مدیریت سخت می‌شود، از مردم می‌خواهیم مسافرت نروند، بمانند اگر بروید ضرر می‌کنید، خدا نکند چند خوزستان خلق کنیم. اگر خدایی ناکرده چند خوزستان دیگر شکل گرفت نمی‌توانم روی تاب‌آوری نظام سلامت قسم بخورم. برخی می‌گویند تاب‌آوری مردم کم شده است، تاب‌آوری همکاران نظام سلامت به شدت کم شده است. در خوزستان ۷۸ همکار من به ویروس جهش‌یافته‌ی اولیه شده‌اند.»

رئیس کل دادگستری کرمان خبر داد تعیین شعب ویژه رسیدگی به تخلفات انتخابی در استان

هر یک از استانداران کرمان برگزار می‌کنند انتخابات این است که بستر همراهی را به شکلی فراهم کنند که مردم در فضای سالم، امن و قانونمند در انتخابات حضور یافته و فرد اصلح را انتخاب کنند.

وی مهم‌ترین اقدام قوه قضاییه را در راستای پیشگیری از جرایم انتخابی دانست و یادآور شد: «وظیفه‌ی دیگر این قوه این است که در صورت ارتکاب هر نوع جرم انتخابی در کوتاه‌ترین زمان ممکن با آن برخورد کند.»

محمد افزود: «قوه قضاییه در راستای برگزاری انتخابات سالم، امن و قانونی اقدام به تشکیل ستادهای در سطوح ملی، استانی و شهرستانی کرده که وظیفه‌ی اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را بر عهده دارند.»

از جمله این وظایف به شمار می‌رود.